

بسمه تعالی

رویکرد مساله محور در یادگیری مطالب جدید

حمیدرضا آیت اللهی

اهمیت روش اکتشافی هدایت شده برای درک درست از مطالب علمی آموخته شده

اگر روش اکتشافی اهمیت دارد چه انگیزه ای برای بکار گرفتن آن وجود دارد

انگیزه های مختلف یادگیری:

در روش متداول یادگیری برای نمره گرفتن، قبول شدن و به مرحله بالاتر رفتن، افتخارهای کوتاه مدت، باورهای غلط اجتماعی از موفقیت، تشویق های آشنایان، اشتغال و موقعیت بهتری را در جامعه بدست آوردن، موقعیت بهتری را نسبت به همسالان در کنکور داشتن.

دانستن فی نفسه، یافتن راه حل‌هایی برای مسائل زندگی، ناکارآمدی انگیزه های قبلی و منحصر نبودن موقعیت شغلی مناسب در تحصیل، هدفدار بودن هر مطلبی که یادگرفته می شود، تمرین نحوه حل مساله های واقعی زندگی و کسب این مهارت،

روش حل مساله:

- ۱- تفاوت سوال و مساله (چالش):
- ۲- مساله (چالش) برخاسته از درگیری ذهنی و عملی با موقعیتهای مختلف و تلاش برای حل آن است. (اکتشاف)
- ۳- مساله باید شخص را درگیر کند.
- ۴- در طرح تحقیق یک فرضیه وجود دارد و یک مساله ای که برای حل آن فرضیه ارائه شده است. فرضیه باید نوآوری داشته باشد.
- ۵- مساله با پرسش های «آیا» که جواب آن بله یا خیر است سروکار ندارد. مساله با پرسشهایی که دایره المعارفی (یا حل جدول) است فرق می کند. پاسخ پرسشهای دایره المعارفی را می توان با یک سوال ساده و یک پاسخ روشن بدست آورد. ولی مساله باید نیاز به تفکر داشته باشد تا بر اساس اطلاعات دریافت شده پردازشی در آن صورت بگیرد تا یک دست آورد به حساب آید. با این روحیه لذت کشف یک نادانسته درک می شود و فرد احساس می کند یک مطلب حافظه ای ندارد بلکه یک واقعیت علمی را فهمیده است.
- ۶- از آنجا که در این روش از طریق حل مساله می خواهیم به نتیجه برسیم لذا پرسشها از پرسشهای انتهایی شروع می شود و بتدریج با پرسشهای قبل تر تا پرسشهای اولیه رسیده می شود. یادگیرنده اکنون می داند با حل مساله چه قدمهایی را می خواهد بردارد و به چه نتیجه مهمی می خواهد دست یابد.

۷- مساله ها از واقعیت های عینی برمی خیزند. لذا خوب دیدن و خوب شنیدن و درک کردن مهم ترین قدم اولیه برای طرح مساله است. در مواقعی که دیدن مستقیم امکان پذیر نباشد قراردادان فرد در یک موقعیت عینی فرضی که در زندگی او می تواند رخ دهد اهمیت دارد. این موقعیت ها باید بخوبی توصیف شود و دوباره به یک توصیف نظری نینجامد. به همین جهت ذکر داستانهایی با بسط تفصیلی و هنرمندانه آن بیشتر فرد را در موقعیت درک سوال قرار می دهد.

۸- توجه به مسائل نیاز به تمرین و ممارست دارد. لذا در یک برنامه درسی سعی می شود فرصت دقت به دانش آموز داده شود تا انواع پرسشها را بیرون بیاورد و بتواند تشخیص دهد چه مسائلی فعلا باید در درس مورد توجهش باشد. در اینجا نقش معلم برای پالایش مساله ها و کمک کردن یادگیرنده برای رسیدن به مساله های مورد نظر اهمیت دارد.

۹- معلم در پردازش و بسط مساله و نشان دادن تمام زوایای مساله در کنجاوتر کردن یادگیرنده کمک می کند. معلم نمی گذارد یادگیرنده با پاسخهای سرسری از عمق مساله بازماند.

۱۰- چون در این روش مساله از انتها (یعنی هدف اصلی از بحث) مورد بررسی قرار می گیرد، لذا باید نحوه تدوین کتابها تغییر کرده و با پرسشها و قراردادان فرد در معرض مساله ها معمولا از انتها به ابتدا بیاید تا مفاهیم علمی بخاطر پاسخ به مساله یادگرفته شود.

۱۱- هنر معلم ایجاد انگیزه صادق (نه نمره و جایزه) در دانش آموزان است. معلم باید دانش آموز را در موقعیتی قرار دهد که باور کند خود با تعمق و تفکر خود توانسته است مساله را حل کند. انگیزه فهمیدن و دانستن در این روش باید مرتب تقویت گردد.

۱۲- بالارفتن توان دانش آموز برای حل مساله باید بگونه ای باشد که او باور کند که تمامی مسائل مشابه را می تواند حل کند. لذا در این روش یک مطلب یاد نمی گیرد بلکه روش حل یک دسته مسائل مشابه را یاد می گیرد.

۱۳- پس از کشف مطلب علمی، دانش آموز باید ممارست کند تا در موارد مشابه نیز بتواند بخوبی و بادقت اینگونه مسائل را حل کند. بدین منظور معلم به او کمک می کند تا مسائل دیگری را که او را در درک و تسلط بر مسائل علمی کمک می کند حل کند تا مهارت حل مساله در او تقویت گردد.

۱۴- در این روش امتحانات باید به سمت خودآزمونگری سوق پیدا کند، چرا که دانش آموز باید دغدغه قدرت حل مساله را داشته باشد.

۱۵- وظیفه اصلی معلم، بازنویسی کتابهای درسی بر اساس مساله محوری است. در این روش مهم ترین کار معلم تنظیم سوالات مطالب کتاب است بگونه ای که مساله ای پشت مساله ای برای دانش آموز مطرح شود. بدیهی است تا آنجا که امکان دارد مساله ها ناظر به شرایط واقعی باشند تا شرایط نظری. به همین جهت برای دروس تجربی آزمایش های اولیه اهمیت بسیاری دارد. آزمایشگاه برای تایید آموخته های سرکلاس نیست بلکه برای دستیابی به مسائل علمی است که دانش آموز با تفکر یا با آزمایش آن را حل می کند.